

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هتگی
و یومیة (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر آقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل المتین

۱۳۶۱

طریق

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قرانك

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطرى

دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری نظری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و درانتشار اداره آزاد است

سه شنبه ۶ جمادی الاول ۱۳۲۵ هجری قمری و ۶ خرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۸ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی

(محاكمه حقیقت)

امروز که دوشنبه پنجم شهر جمادی الاولی است وزارت عدلیة رسماً خبر داده است که شخص مقدس (اسلام) بامد عیاش در اطاق پنجم گفتگو خواهند کرد و محاکمه در انخصوص جاری خواهد بود — محاکمه مادر وطن چون در دو مجلس صورت گرفت و دو فقره از آن معلوم و محقق شد صلاح چنان دانستند که فعلاً بقیة محاکمه آن چند روزی متاخر شود و محض بس احترام این معلوم مقدس (اسلام) دو مجلس نیز مخصوص استرداد حقوق دین حنیف و شرع شریف گشته کسایرا که دست تمدی باین وجود مقدس دراز کرده اند بعد از ثبوت تقصیر مجازات قانونی داده شود

از دحام در اینروز بدرجه است که در ودیوار و بام و برزن زمین و فضا ماوا از تماشائی است ملائکه ملکوت ، سکان وادی جبروت ، ارواح مکرمه ، قوس مقدسه ، شهداء صلحاء علماء متدینین که هوا خواء عالم اسلامیت هستند فضاء را فرو گرفته باحالت پریشان اشک از دیدگان میریزند و بر غربت و کربت و مظلومی اسلام نوحه سرائی میکنند و بر ذلت و فلاکت مسلمانان افسوس میخورند . جگرها قان خون است و دیدهها نمونة فرات و جیحون اشعار جان گداز که کوه را از جا میکند و دل سنگ را کیان میکند ورد زبان دارند یکی خطاب به برق کرده میگوید :

(ان جئت یثرب الوعارت ساخته)

(قتل لمن بهداه تم احکام)

(یا صیحة الملك والدين الحنیف وما)

(تلقاه من نبات الدهر اسلام)
یعنی ای برق جهنده که بیک حرکت چشم از مشرق بحغرب میروی و از شمال تا جنوب میدوی ساعتی باما سهریابی کن و پیغام این دل سوختگان را برسان دمی بواتی یثرب گذر نما و لحظه بمدینه منوره عبور کن و بان آستان قدس که مطاف قدسیان برده غیب و معدن انوار لایب است تشریف جسته از زبان ما هوا خواهان اسلام بصاحب شریعت غراء که در ترویج دین خدارنجها برد و کلمه الهی را بلند فرمود و احکام را تمام و اعلاء کلمه اسلام نمود با کمال ادب عرضه دار که یا رسول الله ای نبی رحمت ای اشرف اولاد آدم ای مفخر اهل عالم ای خاتم پیغمبران ای سرخیل فرستادگان نظر عیاشی بجناب اسلام و مسلمانان فرما ، عطف توجهی بسمت معانك اسلامیه ساز که احوال زار است و دلها بقرار ، احکام الهی در عهده تعطیل افتاده اسلام غریب گشته و در میانه گرگان خون خوار اسیر شده پیشرا از چنگال بیرحمی چك چك کرده و بانیشه بیرحمی این درخت برومند صدمه ها زده احکام الهی دستخوش تطاول مستبدان گشته و نوایس خداوندی را لگد کوب سم سمند بیدینی ساخته امروز از اسلام جز نامی بقی نمانده چه حرامها را که باغراض باطله حلال و چه قدر حلالها را باهواء باطله حرام کرده ، چه بدعتها که در دین نگذاشتند و چه نهمت که بشریعت غراء نسبت ندادند — باسم شریعت قوانین شرع را پایمال و بنام دیانت انواع محرمات را رواج دادند ، اسلام را ضعیف مسلمانان را ذلیل ساختند هر دستور

که در قرآن بود مخالفت کردند و هر چه نبود بشریت بستند — قرآن عظیم را که کتاب کریم است در پس پشت افکندند

بکنفر جاهل خونخوار مستبدرا قبله اهل اسلام و واجب الاطاعه محسوب داشتند کینه مسامین را که خداوند متحد و متفق خواسته مختلف ساختند از هر گوشه شیدان و طراران برای گستردن دام و راحت مدام ملت اسلام را گرفتار ترهات و آسیر خیالات ساختند و در دور خود جمعی را جمع کرده گردن بدعاوی باطله افراشتند هر کجا عالمی عامل دیدند بانواع تهمت‌ها و افتاک تهمش نموده خلق را از استفاده علوم و حقایقش محروم داشتند ، روح اسلامیت افسرده و پژمرده علم اسلام را واژگون و سرنگون کردند ، از عذاب خدا و عقوبت روز جزا اندیشه و پروا نکردند

از دیگر سو یکمشت سیاه چردگان زهت منظر که هیکل دیو پلید را بپترین مصداق بودند و غول بیابان را نیکوترین مثال اجتماع نموده گفتی هر چه پلیدی در عالم است در آن جا جمع شده و هر آنچه خبثت است در یک گوشه ازدحام نموده از دیدار کره‌شان پشت برهم خوردی و از جهره قیبحشان شخص متفر هدی این گروه بدشمار برضد اسلام و دیانت حقه الهیه انجمن کرده و ذلت اسلام را بیشنهاد خاطر کفر مظاهر ساخته بایکدیگر راز و نیاز میگفتند و بنجوی و سرگوشی سخن میراندند

نظر بادت دبرینه که مرا است استماع کلمات انها را متوجه شدم گوشه‌ها را تیز کرده باتمام دقت بسخنان انها که خیلی آهسته بود گوش دادم حالا نمیتوانم عین عبارت انها را بنویسم شاید اشتباه شده مورد ایراد کردم لکن مضمون بیانات افرقه بدسیرت زشت صورت این بود

اسلام آدم را در قید حدود و وظائف میآورد و بای بند میسازد دست شخص از همه جا کوتاه میگردد هر طوری هست نباید گذاشت کمر راست کنند و قوتی بگیرد زیرا که قوت اسلام باضمحلال ماهاتوام است ما میخواستیم بر مخلوق برتری داشته باشیم و خالق را چاکر وزیر دست سازیم اسلام میگوید (ان اکرمکم عندالله اتقیکم) یعنی هر کس تقوی زیادتیر دارد نزد خدا بالاتر است ما که تقوی نداریم پس باید زیر دست باشیم ؟ ما میخواستیم تمام مردم را بنده و غلام خود کنیم عبد و چاکر خود سازیم و اسلام میگوید (الناس احرار الا من افر بالبودیه) همه مردم آزادند مگر کسیکه خودش طوق بندگی برگردن نهاد و بسبودیت اقرار نماید پس باید اتراد ناس همه آزاد

باشند و از مازور نکشند و کار مفت برای ما نکنند آیا چنین چیزی شدنی است ؟ ما میخواستیم در فضای لاحدی سیر کنیم و بقید و حدی محدود نباشیم و اسلام میگوید (ومن یتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون) هر کس از حدود الهی تجاوز کند داخل در شماره ستمکاران و ظالمان است و ظالم را کافر و کافر را مخلد در عذاب گفته ، ایامکن است ما محدود قناعت کنیم اسب و کالسکه و میل و بارک و سد چیز دیگر لازم داریم آیاتردائره حدودداینها پیدا میشوند یا در خارج حدود اگر بخواهیم در حدود مقید باشیم باید مثل علی بن ابیطالب سلام الله علیه آب یاری کرده و نان جو قناعت نموده آیاتصویر دارد که ما راضی بان وضع معیشت و زندگانی بشویم ؟

ما میخواستیم اراده خود را فعل مطلق قرار دهیم اسلام میگوید در امور مشورت کنید چطور ما راضی شویم که یک سخن بگوئیم دیگران بگویند درست نیست ما میخواستیم خون مردم را بریزیم اسلام میگوید (ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا) بنابراین آیه پس اگر ما فلان بقال یا رعیت بیسر و بی یارا بکشیم ورئه او بر ما مسلط خواهند بود و خواهند توانست ما را بکشند ، ما میخواستیم کار نکرده و زحمت نکشیده صاحب ثروت و مکت شویم آلفی والوف بر هم بندیم اسلام میگوید (لیس للانسان الا ماسی) یعنی هر چه سعی کردید و تقوت زحمت پیدا نمودید مال خودتان است و بیزحمت مال مفت پیدا نخواهید کرد ، ما میخواستیم اختیار اموال مردم در دست ما باشد اسلام میگوید (الناس مسالطون علی اموالهم) که مردم بر مال خودشان مسلط هستند

آیا چنین امری تصویر دارد که ما بفلان رعیت بگوئیم یک بره تمارق بده بگوید مال خدماست نمیدهم ما میخواستیم مردم را تنبیه کرده ترسایده بول بگیریم اسلام میگوید (لاضرر و لاضرار فی الاسلام) — واقعا کار خیلی مشکل میشود که آدم نتواند بنور خودش یک فحش بدهد یک سیلی بزند هیچ طور انسان زیر این بار نمیرود که اگر یک سیلی بفلان جلمبر زد او حق داشته باشد یک سیلی بما پس بزند

سخن که بدینجا رسید یکسفر از در وارد شد که اسلام تا یکساعت دیگر تشریف میاورند من دیدم وقت میگذرد و روز نامه عقب میافتد حال هم ابتقدرها مطلب ضبط کردم که روز نامه امروز پرشود تا فردا عشق است زود بادارم آدم و یک نفز وقایع نکار بمحکم فرستاده که هر چه مذاکرات بعمل آمد یاد داشت کرده در روز نامه فردا درج شود

(مستبدین را بشارت)

(روشن شود هزار چراغ از قبيلة)

(يك داغ دل بس است برای قبيلة)

نفس زنان و عرق ریزان وارد خانه شد (بشارت)
 (مژده) چه مژده زود بگو بدانیم ، دیگر کارها خوب
 میشود کیسه و بفل جیب و دان بر خواهد شد ، قرضها
 پرداخته ، خرابها ساخته عیش كك خواهد گردید ، های
 مسای راست میگوئی از که شنیده چه تازه است مگر
 مجلس مقدس شوری بر هم خورد مگر استبداد که از
 مملکت قهر کرده و رفته بود مراجعت کرد خیر مگر
 وزراء از مسئولیت خارج شدند ؟ خیر مگر نوشتن
 قوانین موقوف شد ؟ خیر ، گنجی جسته دینة پیدا
 کرده ؟ خیر ، پس چه نقل است زود بگو که صبرم تمام شد جام
 حوصله ام لبریز کردید تند تر زود باش ، نمیگویم
 ، چرا ، مژده گانی میخواهم معطل نکن میدهم دام آب
 شد راحتی چه خبری داری ؟ چند قاطر پول از طرف
 جنوب بایک نفر مامور تقسیم وارد شهر دارالخلافت شده
 ، دروغ میگوئی ؟ نه والله

خوب بنا چه ؟ همه اش با مالست این دوز و كك
 ر ماچیدیم شاخ دوحریف را با هم بند کرده هم مملکت
 را مفشوش کردیم هم ملت را گوش مالی دادیم هم اسباب
 يك مداخل حسابی فراهم نمودیم و از میان دوستك آرد
 كنتم خوبی گرفتیم چه میگوئی این دوره تعارف گرفتن
 مشكل شده است این مردم رجاله جمع شده اسم تعارف
 را رشوه گذارده و میگویند هر كس رشوه بگیرد مجازات
 خواهد شد — خدا بدت را بیامزد چه قدر آدم صافی
 و صادقی که گوش باین حرفها میدهد ، چه کار بکنم
 آدم را اذیت میکنند ؟ رند باش در مجلس خیلی تعارف
 بکن خود را فدائی مشروطیت قلم بده قسم یاد کن بر هم
 بیای بگو زیر ناودان طلا با جدای خودم عهد چنین و
 چنان کرده ام اما در باطن موشك برسان و کار خود را
 صورت بده — خوب آخر نکفتی چه خبر است کی آمده
 کجا منزل کرده ؟ نصرالدوله پسر قوام الملك عیرازی
 بریز وز وارد شد با چند جوال پول چندی کیفمان خوب
 خواهد بود — نه این کار درد سر خیلی دارد مدعیهای
 سختی دارد که مثل سفر چسبیده و نمیکنند دیروز هم صورتی
 بمجلس مقدس شورای ملی فرستاده اند باین مضمون

سواد عریضه انجمن فارس بمجلس دار الشورای

ملی شیداله ارکانها

حضور و کلاء محترم دار الشوری شیداله ارکانها

نصرالدوله از شیراز آمده و بانواع رشوه دوز

افتاده که بدسایس و حیل تقصیرات خود و بدترش
 و برادرش را رفع کند و حال آنکه مقام آنها با حاجت
 به اثبات ندارد فرضاً لازم باشد که خیانت آنها در دوره
 مشروطی مدلل شود اعضاء انجمن فارس حاضرند
 که در هر محضری که مجلس مقدس شورای ملی مقرر
 دارند تمام خیانت و مفاسدی که در همین ایام قلیل
 از قتل و غارت طوائف قشقائی و قتل و غارت املاک
 زیر آب داراب و غارت و اذیت نسبت باهالی بوانات و
 ققری و ازیت اهالی و قتلها که چند نفر از اعضاء
 انجمن فارس وارد آمده مدلل داریم و از مجلس مقدس
 استدعا داریم که مجازات آنها را مقرر فرمائید که
 عبرت سایرین شود و اگر توبه از اعمال قبل از مشرو
 طیت نکرده باشد بچندین عنوان شرعی از مفسد بودن
 و محارب بودن واجب القتل و النفی هستند کما قاله
 تعالی انما جزاء الذین یحارون الیه ورسوله و یسعون
 فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و
 ارجلهم من خلاف او یقطنوا الارض (انجمن فارس)

لا یحیه

خدمت مدیر روشن ضمیر روزنامه مقدس جبل لمتین

زید اقباله زحمت مودعیم

امید تمام ملت ایران وسی کرور نفسوس
 این مملکت بسته بمجلس شورای ملی شیداله ارکانهاست
 و این نکته واضح است تمامی سی کرور تنها تنها در مجلس
 حاضر نیستند و مذاکرات مجلس را نمیشنوند مگر
 بواسطه روزنامه مجلس که باید بدقت تمام بلا تحریف
 مذاکرات مجلس شورای ملی و نطق و تقریر و کلا را
 بلا تغییر درج نماید ، تا عموم چشم برهان از وضع و
 افکار و کلاهی خودشان مطلع و خبر دار شوند افسوس
 که این مطلب مهم هم چنانکه لازم است مراعات نمیشود
 و در اغلب تقریرات و کلا تحریفات می کنند بلکه بعضی را
 هم هیچ نمی نویسند عاهد این مدعا مذاکرات روز
 سه شنبه ۲۹ شهر ربیع الثانی نمره یکصد و یازده است
 که در قرائت قانون اساسی نطق و کلا را ابدأ نوشته در
 صورتیکه سایر جراید اجمالا نطق جناب مستطاب آقای
 حاجی میرزا علی آقای تبریزی وکیل خراسان و جناب ققی زاده و
 سایر و کلا را درج کرده بودند حال خواهش ملت از جناب عالی
 این است که این چند کلمه اخطار نامه را در روزنامه
 شریفه درج نمایند اگر روزنامه نویس مجلس این
 شیوه را ترك نفرمایند و نطق و کلا را از راه
 کمال بی غرضی و تحریف درج ننمایند ملت لابد است
 از مدیران سایر جراید خواهش نمایند که تقریرات
 مجلس را با هم و کلا کما هو نوشته نشر نمایند تا عموم
 ملت از تمامی مذاکرات صحیحاً مطلع و کلاهی خودشان را
 کاملاً بشناسند (فدویان ملت)

حبل المتین

لایحه فوق بامضاء یکصد نفر تقریبا که همه از
تیره اول وطن پرستان هستند بداره رسیده مانیز بر
حسب وظیفه خود از درج آن مضایقه نکردیم لکن این
دوکلمه را توضیحا عرض میکنیم اداره روزنامه مجلس
لتزیاره توهومات و خیالات منز و میری است توعتن نطق
وکلاء محترم بعضی اوقات بواسطه تهاجم مذاکرات
است که مانع از ضبط میشود و این سبب اداره روزنامه
مجلس بین دو محذور واقع میگردد اگر نطقها را ناقص
یتوسد ناطقین ایراد میکنند اگر صرفی نظر نمایند
پروکت مینمایند و واضح است که چنان اداره معتبری
ملاحظه و خوف از کسی ندارد جلب منافع ناشروع را
هم طالب نیست چنانکه در شماره یکصد و سیزده مجلس
صفحه دوم ستون دوم شرحیکه در معنی عذرخواهی
است مرقوم داشته اند بعد از مطالعه آن فقره اشتباه بکلی
رفع خواهد شد

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

روز یک شنبه ۱۴ شهر جمادی الاولی

امروز را محترم السلطنه آمده بودند و اظهار
داشتند که چند روز قبل پلیمسادر اداره نظمیہ رئیس
نظمیه را مانع شده مدتی ایشانرا محبوس داشتند باینکه
وزیر علوم از جناب اعلیحضرت رفته بودند و هر چه
بیتها وعده نمودند قبول نکر دند تا اینکه سپهبدار رفته
ولترام سپرده که چند روز بایشان پول بدهد امروز
رفتند در خانه سپهبدار ریختند و از او پول میخواهند
حسابشان هم از سی هزار تومان چیزی بالا است از صبح
تا حال آنچه بانها نصیحت و زبان ملایم و اینکه با قساط
همین چند روزه حساب شما پر داخته میشود قبول
نکردند حاجی امین ضرب رفت انجا تقبل کرد که دو
هزار تومان حالا بشما داده میشود و باقی را روزی
هزار تومان بگیرد تا تمام شود قبول نمیکند حال عرض
این بود که برای حفظ شهر امشب اگر مجلس تصویب
میکند وزیر داخله چنین صلاح دانستند که سواره قراق
وینده بگذارند و هم برای جلوگیری شرارت آنها چند
خر سرباز بگذارند که اسباب مفسده نشوند تا بعد تحقیق و
رسیدگی شود بعد از مذاکرات اغلب و کلا همین
وئی را پسندیدند

بعد لایحه از طرف عموم واردین در عمارت
بهارستان قرائت شد که باوجود هوا خرواهانه و جان بازی
وسرمازی در استحکام این اساس مقدس از چه بی تصیر
ماره ممنوع و محروم از فیض حضور و درک افاضات
ویرکت مجلس محترم فرمودید اگر خطائی از یکی دو
خر سرزد موجب سلب حقوق دیگران نخواهد بود

طهران در مطبعه دزروسه بطبع رحید

متنی از مجلس مقدس که اذن و اجازه ورود را باین
تشکان آب وصال بدهند تا بهره مند از فیوضات آن کردیم
بسنار قرائت اظهار داشتند که اگر چه تنظیمات داخل
و خارج مجلس باشخص رئیس است ولی ایشان محول برای و کلا
نمودند که هر طور صلاح میدانند اجازه بدهند بعد از
مذاکرات گفته شد که باید تمهید کنند بر اینکه در اینجا
لوائح و خطابات نخوانند نگویند و اسان سؤ بهیج کس
آغاز نمایند در کمال ادب و ترتیب بیائید البته همه
کمال اشتیاق را دارند

لایحه از زرتشتیان قرائت شد که مشعر بود بر
مطلبه مساوات در حقوق و سیاسات مملکتی و اینکه در
هر حال جواب مساعد صریح تقیبا و ثباتا مجلس محترم
بما بدهد تا تکلیف زندگانی ما معلوم باشد بعد از
مذاکرات اظهار داشتند که اولاً ایشان از هر حیث
بحکم اسلام مثل مسلمانان محفوظ و مصون هستند و اگر
دریش ظلم و تعدی بر آنها میشد نه از روی قانون یا
حکم الهی بود فقط محض استبداد و از روی عدم اجراء
قوانین شرعی و رذالت جهال و اشرار بود البته ایشان
چنانچه در قانون اساسی هم نوشته شده است در حقوق
مملکتی و سیاسات دولتی مساوی و برابر با سایر اهلی
آن هستند و هم اهل مجلس بر این است که این مساوات را
تصدیق تر و محکم تر نماید در این صورت این تاکیدات
و اصراری که از طرف ایشان میشود معلوم است بعضی
القاع شبهه در الواح اذهان ساده ایشان می نمایند و
و امیدارند که این اظهارات را بنمایند مجلس تصویب حق
کسی را نخواهد کرد

صورت تلگرافی از طرف مجلس قرائت کردند که
بتوسط حکام بولایات مخبره شود بر اینکه مطابق
دستور العمل وزیر مالیه اصل مالیه و تقاسوت عمل را
بگنجانند و وزیر مالیه بپردازند و بیش از این تعویق و
مسلحه در دادن مالیات نشود گفتند که این لفظ تفاوت
مجلس است مجلس مطلقا رای نداده بود مگر آن قانونی
را که حکام میکردند خوب است آن تلگرافی را که وزیر
مالیه نمودند معلوم شود بچه نحو بود یا بر طبق همان
از مجلس هم تلگرافی شود یا تفاوت عمل را مقید
و مستحق نمایند بالآخره صحبت می نتیجه ماند

اعلان

یک قطعه باغچه مشجر واقع در اراضی قلعه در
جوار سفارت انگلیس یک خانه با انبار و طویله و کالسه
خانه بقیمت عادلہ بفروش میرسد هر کس طالب است در
اداره گمرک بمسیو (پرین) رجوع نماید

حسن الحسینی الکاشانی